

سازوکارهای ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری عمومی در ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷)

حسن دانایی فرد^۱

جواد ولی‌اصل^۲

چکیده

بهبود کیفیت خط‌مشی‌های عمومی چالش بزرگ فراوری همه کشورهاست. زیرا خط‌مشی‌های بی‌کیفیت تبعات سنگینی از جمله نهادینه شدن فقر، هدر رفتن منابع ملی و در نهایت مخدوش شدن اعتماد عمومی در پی دارد. مطالعات متعددی بر نقش خط‌مشی‌های خوب در ارتقا عملکرد ملی تاکید داشته‌اند. با این اوصاف کیفیت خط‌مشی‌های عمومی به محیط ملی و بین‌المللی هر کشور بستگی دارد. هدف این پژوهش واکاوی و احصا سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران است. نتایج این پژوهش می‌تواند در بسط نظری کیفیت خط‌مشی‌های عمومی موثر باشد. پژوهش در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست (کیفی) سازوکارها احصا و با استفاده از شیوه مقایسه مستمر کیفیت یافته‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است و در مرحله دوم ضمن رتبه‌بندی سازوکارها فرضیه‌های توصیفی در مورد سازوکارها در معرض آزمون قرار داده شد. نتایج نشان می‌دهد که سازوکارهای طراحی نظام اطلاعاتی خط‌مشی‌گذاران عمومی در کشور. طراحی نظام انسجام عمودی و افقی خط‌مشی‌های عمومی، کاربردی سازی دانش خط‌مشی‌گذاران عمومی کشور و

۱. استاد مدیریت دولتی دانشگاه تربیت‌مدرس (نویسنده مسئول) (hdanaee@modares.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تربیت‌مدرس (j.valiasl69@gmail.com)

تسهیل ورود نخبگان شایسته به مجلس، دولت، قوه قضاییه، شوراهای اسلامی شهر و روستا و نهادهای خطمشی‌گذاری عمومی اهمیت بیشتری نسبت به سایر سازوکارها در ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران دارند.

کلیدواژه‌ها: خطمشی عمومی، سازوکارهای سیاسی، سازوکارهای مدیریتی، سازوکارهای دانشی، کیفیت خطمشی.

مقدمه

خطمشی‌های عمومی، سازوکارهای حکمرانی ملی نظام سیاسی هستند و دولت‌ها اراده ملی را در پرتو خطمشی‌های عمومی اجرا می‌کنند. این خطمشی‌های عمومی حلقه پیوند دهنده دولت و جامعه هستند (مقدس پور و همکاران، ۱۳۹۱) نقش اصلی دولت (به معنای هر سه قوه) در جهان جدید «خطمشی‌گذاری عمومی» است. دولت‌ها که در برگیرنده قوای مجریه، مقننه و قضاییه هستند به خطمشی‌های عمومی «شکل می‌دهند»؛ آن‌ها را به «اجرا» می‌آورند و آن‌گاه به «ارزیابی» آن‌چه اجرا شده است می‌پردازند (بزرگی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر همه حکومت‌ها برای حل مسائل فراروی جامعه خود، بهبود شرایط و بهره‌گیری از فرصت‌ها، به سازوکارهایی به نام خطمشی‌های عمومی متوسل می‌شوند. از آنجا که خطمشی‌های عمومی می‌تواند عواقب منفی و جبران‌ناپذیری مانند فقر، فحشا، بیکاری، ناامنی و... در بر داشته باشند؛ برای ارتقاء کیفیت چنین خطمشی‌هایی سازوکارهای مختلفی با توجه به محیط و شرایط و فرهنگ جامعه تبیین شده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳). در نتیجه بهبود کیفیت خطمشی‌های عمومی برای تحقق نیازهای شهروندان و جامعه به بهترین نحو، امری اساسی و ضروری است. فقر پژوهشی در این حوزه و هم‌چنین عدم انسجام پژوهش‌های صورت گرفته در این باره، وجود یک پژوهش منسجم را برای مطالعه و بررسی چگونگی ارتقا خطمشی‌های عمومی در ایران ضروری می‌سازد. هم‌چنین با توجه به مسائل عدیده نظام خطمشی‌گذاری در ایران وجود چنین پژوهشی جهت ارائه راه‌حلی برای ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی به خطمشی‌گذاران قوه‌ها و نهادهای مختلف خطمشی‌گذار لازم بود. هدف اصلی این پژوهش واکاوی و احصا سازوکارهای کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران است. اگرچه ادبیات پژوهش مباحثی را

به صورت پراکنده در این مورد مطرح می‌کند ولی این مباحث از انسجام روشنی برخوردار نیستند و در این زمینه سازوکارهای روشنی برای ارتقا کیفیت خطمشی‌ها وجود ندارد. بنابراین پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا نخست به شناسایی و واکاوی این سازوکارها اقدام و در گام دوم پژوهش به بررسی میزان اهمیت آنها بپردازد.

بیان مسئله

خطمشی‌گذاری عمومی بر زندگی میلیون‌ها شهروند اجتماعی تاثیرگذار است. در ایران این فرایند از نارسایی‌های عدیده‌ای مانند فقدان توجه به تخصصی بودن موضوعات، عدم توجه به روح کلی خطمشی‌های اساسی و کلان، سوءتدبیر و فقدان به‌کارگیری روش‌های علمی برای پیش‌بینی، برخورد انفعالی و تدافعی با قضایای برجسته و نادیده گرفتن محرک‌های بطنی، عدم توجه به درس‌آموزی از تجارب دیگران، فقدان نگاه گروهی به خطمشی، فقدان سازوکارهای هماهنگی دولت افقی، فقدان سیستم بازخورد، کمبود آگاهی عمومی روبه‌رو است؛ از این موارد گذشته ارزیابی خطمشی همواره به‌مثابه حلقه گمشده در فضای حاکم بر این قلمرو در ایران است (مودب، ۱۳۸۴). الوانی، از مشکلاتی یاد می‌کند که تقریباً اکثر جوامع با آنها در زمینه خطمشی‌گذاری با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند و این مشکلات اغلب از کیفیت خطمشی‌های خوب می‌کاهد. مشکلاتی از قبیل تحقق نتایج زودرس، یک بعدی بودن خطمشی‌ها، کمبود اطلاعات، تمایل به ساده‌انگاری مسائل، اعمال نظرهای شخصی در فرایند خطمشی‌گذاری و در نهایت انعطاف‌ناپذیر بودن خطمشی‌ها می‌توانند اغلب منجر به تدوین خطمشی‌ها ضعیفی شوند؛ ادبیات این زمینه اغلب این موارد را به‌مثابه خطمشی‌های بی‌کیفیت یاد می‌کند.

خطمشی‌گذاری عمومی ضعیف و بی‌کیفیت منجر به ناکامی‌های زیاد در

حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... خواهد شد. به‌همین دلیل بهبود کیفیت خط‌مشی‌های عمومی از جمله دغدغه‌ها و چالش‌های فراروی حوزه‌های مختلف عمومی (سیاست، فرهنگ، اقتصاد، محیط زیست، آموزش عالی و...) است. این کیفیت در خلا ارتقا پیدا نمی‌کند. بلکه مستلزم داشتن راهکارها و سازوکارهای مختلفی در حوزه‌های مختلف است. بهبود سطح کیفیت خط‌مشی‌های حوزه‌های مختلف نیازمند سازوکارهای متعدد (فردی، نهادی، سیاسی، اطلاعاتی، مدنی و...) است که در صورت توجه می‌توانند به ایجاد یک نظام تصمیم‌گیری ملی قوی، خوب و اثربخش منجر گردد که در نهایت استفاده مناسب از منابع و ظرفیت‌های ملی و بهبود شرایط زندگی عموم مردم را در پی داشته باشد. بر این اساس مسئله مفهومی فراروی این پژوهش فقدان دانش در مورد سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌گذاری عمومی است؛ که این پژوهش بر آن است به این هدف دست یابد.

مبانی نظری پژوهش

واژه Policy که در زبان فارسی به‌معنای سیاست یا خط‌مشی معنا شده است؛ وقتی در کنار واژه Public به‌معنای عمومی قرار گیرد؛ شاخه‌ای از دانش را با عنوان «علم دولت در عمل» تشکیل می‌دهد؛ که برخی آن‌را زیرمجموعه علم سیاست و برخی نیز علمی مستقل قلمداد می‌کنند. این دانش، به مطالعه و تحلیل عمل دولت‌ها می‌پردازد. خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی در واقع تجلی اداره حکومت در عمل، است؛ که آن‌ها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیم‌ها و اعمالی که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند در نظر گرفت. از نظر اندرسون^۱

۱. Anderson.

(۲۰۱۱) خط‌مشی عمومی، مجموعه‌ای از اقدامات (و عدم اقدام‌های) نسبتاً ثابت و پایدار و هدفمند دولت، به قصد حل معضلات یا دغدغه‌های عمومی جامعه است.

واژه کیفیت دارای معانی مختلفی است و از جنبه‌های مختلف قابل تعریف و بررسی است؛ در فرهنگ وبستر کیفیت (Quality) معانی متعددی دارد و بعضاً به معنی خوب یا بد بودن چیزی اشاره دارد. برای نمونه آلودگی بر کیفیت هوا تاثیر دارد؛ در فرهنگ مذکور لغت کیفیت به‌ویژگی یا جنبه‌ای اشاره دارد که فردی یا چیزی از آن برخوردار است. در تعریف دیگری در فرهنگ وبستر از کیفیت به سطح بالایی از تعالی یا ارزش اشاره شده است. در فرهنگ آزاد به تعاریف دیگری اشاره شده است که عبارتند از: ۱- ویژگی ذاتی یا متمایز کننده چیزی؛ ۲- خصیصه فردی به‌ویژه خصیصه شخصیتی؛ ۳- ویژگی ضروری؛ ۴- برتری نوعی؛ ۵- درجه‌ای از کمال و ۶- از لحاظ اجتماعی جایگاه اجتماعی بالا. از سوی دیگر در علوم مختلف برداشتی متفاوتی از مفهوم کیفیت وجود دارد؛ به‌طور مثال در فلسفه و در نظریه شناخت منظور از کیفیت، چگونگی یک چیز است؛ مثال: خواص کمی و یا خواص کیفی یا چونی، در زمینه‌های اقتصادی مراد از کیفیت مرغوبیت و مطلوبیت یا مجموعه ویژگی‌های یک کالا و عرضه کننده آن است (نه تنها از لحاظ کیفی بلکه از دیدگاه کمی، بها و غیره) که باعث می‌شوند آن کالا مورد تقاضا قرار گیرد و به فروش برسد. در زمینه‌های اجتماعی و فردی کیفیت به شایستگی، صلاحیت لیاقت اشاره دارد. در سازمان منظور از کیفیت را می‌توان انجام دادن کارها به‌طور صحیح و مداوم در کلیه طبقات یک سازمان تعریف کرد. یعنی این‌که بین نیاز مشتریان، پرسنل و اهداف عالی سازمان توازن به‌وجود بیاوریم. از دید سازمانی، سازمان استانداردهای بین‌المللی کیفیت را این‌گونه تعریف می‌کند: تمامیت ویژگی‌ها و خصوصیات محصول یا خدمت که توانایی برآورده کردن نیازهای مشتری را

دارد. در یک تعریف که سازمان ملی بهره‌وری سنگاپور ارائه داده است؛ کیفیت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات یک کالا یا خدمت است که احتیاجات و رضایت مصرف کننده را تامین می‌کند.

کیفیت

دنهارت در زمینه کیفیت، ارائه خدمات عمومی به شهروندان از شاخص‌های مانند سهولت، امنیت، قابلیت اطمینان، رویکرد حل مسئله و مسئولیت‌های ملی و عدالت یاد می‌کنند؛ این واژه‌ها نشان می‌دهند که مفهوم کیفیت در حوزه مدیریت عمومی با سایر حوزه‌ها متفاوت است (دنهارت، ۲۰۰۷). بنابراین در قلمرو خط‌مشی‌گذاری، خط‌مشی‌های دارای کیفیت را می‌توان خط‌مشی‌های دانست که نیازها و احتیاجات مخاطبان خود را برآورده می‌سازند و درجه‌ای از کمال و برتری یا تمایز برجسته‌ای نسبت به خط‌مشی‌های ضعیف دارند. به‌عبارت دیگر دستاوردهای مانند بهبود رضایت شهروندان، نگاه بلندمدت و قابلیت تبدیل به قوانین معتبر را دارند. این ایده را در ادبیات می‌توان مشاهده کرد؛ برای مثال بسیاری از صاحب‌نظران از ضعف عملکرد اقتصادی یا کاهش اعتماد عمومی به‌مثابه نتایج خط‌مشی‌های ضعیف یاد می‌کنند، انتظار می‌رود در صورتی که خط‌مشی‌ها از کیفیت بالایی برخوردار باشند این نتایج بهبود یابند. شواهدی مانند نتیجه‌گرا بودن خط‌مشی، دیدگاه استراتژیک داشتن و قابلیت انعطاف‌پذیری و توانایی رویارویی با چالش‌ها همگی دال بر اهمیت کیفیت در خط‌مشی‌گذاری دارند.

پیشینه پژوهش

۱. Denhardt.

درور^۱ (۱۹۸۳) بهبودهای عمده مورد نیاز در فرایند خطمشی گذاری عمومی را تغییرات مورد نیاز در دانش، تغییرات مورد نیاز در افراد، تغییرات مورد نیاز در ساختار و مدل های فرایند، تغییرات مورد نیاز در ورودی ها و نتایج تحقق یافته، تغییرات مورد نیاز در محیط نام می برد.

بولونگ^۲ (۲۰۰۳) از عوامل زیر برای بهبود خطمشی گذاری در چین یاد می کند: استقرار صحیح علم خطمشی گذاری، انتشار تعداد کتاب ها و مقالات در زمینه خطمشی گذاری، تربیت پژوهشگران برجسته، نظریه پردازی بومی، در حوزه ساختار افزایش دپارتمان ها و دانشکده های خطمشی گذاری، تأکید رهبری بر علم خطمشی گذاری، حمایت های مالی و به کارگیری متخصصان و حرفه ای ها، سازگاری مدل های خطمشی با فرهنگ سیاسی، علمی کردن فرایند خطمشی گذاری، بهره گیری از مراکز مشاوره، تأکید بر ارزیابی، تسلط خطمشی گذاران بر علم خطمشی گذاری.

ویژمن^۳ و همکاران (۲۰۰۶) این ایده را مطرح می کنند که داده ها و اطلاعات بهبود یافته می توانند به مثابه ابزاری برای بهبود خطمشی گذاری استفاده شوند. این استدلال این گونه بسط می یابد که بر مبنای نظریه انتخاب عقلایی اطلاعات بهتر درک جامع تری و تصمیم گیری تحلیلی را فراهم می کنند و بر مبنای نظریه های دموکراتیک مشارکت دسترسی به اطلاعات مشارکت مدنی و سیاسی بیشتری را به همراه دارد. در نهایت آن ها بر این ایده تأکید می کنند که بهبود کیفیت و دسترسی خطمشی گذاران به اطلاعات خوب همواره در مواجهه با بسیاری از مشکلات مورد تأیید می باشد.

۱. Dror.

۲. Bolong.

۳. Weitzman.

الوانی (۱۳۸۱) بر این باور است که مشارکت عامه اگر به صورت مؤثر و با توجه به فرایند خطمشی در نظر گرفته شود می‌تواند کیفیت خطمشی‌های عمومی را بهبود بخشد. بسیاری از پژوهشگران بر ارتقای کیفیت خطمشی‌گذاری و افزایش ظرفیت آن از طریق کانون‌های تفکر و نقش راهبردی این کانون‌های تأکید دارند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰؛ هارت؛ ورمن، ۲۰۰۸^۱؛ پوهان، ۲۰۰۸^۲).

دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی سازوکارهای حاکمیتی و غیر حاکمیتی در ارتقا ظرفیت خطمشی‌های عمومی می‌پردازد. در این پژوهش که مؤلفان معتقدند برای بهبود خطمشی‌ها، دولت باید ظرفیت خطمشی‌گذاری را بهبود دهد از عواملی حاکمیتی چون بهبود ظرفیت اجرا، ظرفیت پاسخگویی، فساد‌گریزی، ظرفیت یادگیری، ظرفیت قانونی و ظرفیت سیاسی و از طرف دیگر از عوامل غیر حاکمیتی چون ظرفیت رسانه‌ها، شهروندان، مراکز پژوهشی، اتاق‌های فکر، احزاب برای ارتقا ظرفیت خطمشی‌ها استفاده می‌کنند.

قریب (۱۳۹۰) در بررسی پژوهشی خود کیفیت خطمشی‌گذاری عمومی را تحت تأثیر جدی متغیر مهمی هم‌چون «کیفیت عقلانیت نخبگان سیاسی می‌داند. بدین معنا که کیفیت «مناسب» عقلانیت نخبگان سیاسی موجب ارائه خطمشی‌گذاری عمومی مطلوب شده و زمینه کارکردها و عملکردهای مثبت دولت را فراهم ساخته و در نهایت سرنوشت استراتژیک جامعه را متحول می‌کند. از نظر این پژوهش بین حاکمیت‌ها از لحاظ «نوع» و «چگونگی» تفکر و تعقل فاصله و شکاف قابل توجهی وجود دارد و همین امر به خطمشی‌گذاری متفاوت و سپس سرنوشت‌های گوناگون استراتژیک جامعه می‌انجامد؛ لذا به

۱. Hart & Vromen.

۲. Puhan.

بررسی نقش «عقلانیت» و انواع عقل و کارکردهای مختلف آن در خطمشی‌گذاری عمومی پرداخته است.

دانایی فرد (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی» رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران به ضعف‌ها و موانع این حوزه از خطمشی‌گذاری عمومی می‌پردازد و در آخر برای ارتقا کیفیت خطمشی‌های حوزه علم و فناوری رهنمودها و سازوکارهایی چون حوزه همکاری بین دانشگاهی داخل و خارج، حوزه تحصیلات تکمیلی با کیفیت، حوزه ارتقای مأخذ و پایگاه‌های اطلاعاتی علوم انسانی، حوزه ارتقای فرهنگ پژوهش در جامعه، برجیدن فرهنگ پاسداری از روش به جای ارتقای ظرفیت فکری جامعه، برجیدن اختناق روش‌شناسانه بر حوزه علوم انسانی.

در مقاله‌ای تحت عنوان ردای خدمت یا خلعت قدرت؟ چالش‌های فراوری فرآیند سیاست‌گذاری ملی محقق ضمن برشمردن ضعف‌های فرآیند خطمشی‌گذاری عمومی و هم‌چنین ضعف‌ها و چالش‌های فراچرخه‌ای دستگاه خطمشی‌گذاری ایران رهنمودهایی برای اصلاح نظام خطمشی‌گذاری عمومی ارائه می‌کند. به اعتقاد نگارنده متن، بازیگران کلیدی دستگاه خطمشی‌گذاری عمومی، هوشمندانه معماری مدیریت ملی جامعه را با توجه به چشم‌انداز و اهداف راهبردی نظام سیاسی و واکنش به تحولات به‌شدت در حال تغییر محیطی دست‌کاری می‌کند. آثار این دستکاری‌ها در تحول در خطمشی‌های عمومی قابل مشاهده است. فهم دقیق فلسفه‌ی سیاسی هر نظام توسط خطمشی‌گذاران، خبرگی در پایش مستمر تحولات درونی و بیرونی کشور همراه با تسلط بر روش خطمشی‌گذاری عمومی، بهره‌گیری از عقل شهروندان و نظام علمی - دانشگاهی ملی، در شکل‌دهی سیاست‌های کارآمد و اثربخش و در عین حال عادلانه، نقش بسیار کلیدی دارد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۱). با این اوصاف

چارچوب جامعی در مورد ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی وجود ندارد.

هدف پژوهش

هدف غایی و اصلی این پژوهش، شناسایی سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران است.

پرسش‌های پژوهش

- سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران کدامند؟
- میزان اهمیت هر کدام از سازوکارها در ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی ایران چقدر است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش، ترکیبی و از نوع طرح اکتشافی است که در دو مرحله کیفی و کمی قابل اجراست. در این نوع طرح پژوهشی ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شوند. بنابراین، ابتدا پدیده موشکافی و سپس برای تعیین روابط داده‌های کیفی از داده‌های کمی استفاده می‌شود. در واقع داده‌های کیفی، داده‌های کمی را می‌سازند و پژوهشگر به‌جای داده‌های کمی بر داده‌های کیفی تاکید می‌کند. مزیت این طرح پژوهشی آن است که ابتدا پدیده مورد بررسی را به‌نحوی کامل موشکافی می‌کند و ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده پدیده را احصا می‌کند. در واقع پژوهشگر با گوش دادن به آزمودنی‌ها ابعاد را مشخص می‌کند نه از طریق ابزار از قبل تعیین شده (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱). رویکرد دو مرحله‌ای این راهبرد اجرای آن‌را آسان و توصیف و گزارش آن‌را سراسر است می‌کند. این طرح برای پژوهشگری مفید است که می‌خواهد پدیده‌ای را واکاوی کند، ولی می‌خواهد یافته‌های کیفی را نیز افزایش دهد. این مدل مخصوصاً زمانی دارای مزیت است که پژوهشگر



در حال ساخت یک ابزار جدید است (کرسول، ۱۳۹۱). از طرف دیگر، عیب این طرح پژوهشی آن است که هم حجم گردآوری و هم زمان گردآوری آن زیاد است (دانایی فرد، ۱۳۸۶؛ کرسول، ۱۳۹۱). از طرف دیگر پژوهشگر ممکن است حرکت از تحلیل کیفی به گردآوری داده‌های کمی بعدی را دشوار بیابد (کرسول، ۱۳۹۱).

به طور کلی در این استراتژی پژوهشی:

- پژوهشگر بر داده‌های کیفی به جای داده‌های کمی تأکید می‌کند.
- توالی گردآوری به ترتیب، داده‌های کیفی و سپس کمی است.
- برای تعیین یافته‌های کیفی، پژوهشگر به داده‌های کمی متوسل می‌شود.



شکل ۱. مدل تصویری طرح شیوه‌های ترکیبی اکتشافی

مرحله ۱: پژوهش کیفی

ابزار پژوهش حاضر در بخش کیفی، مصاحبه اکتشافی با خبرگان دانشگاهی و نهادهای خط‌مشی‌گذار و سیاست‌پژوه است. این ابزار گردآوری داده‌ها، امکان برقراری تماس مستقیم با مصاحبه‌شونده را فراهم می‌کند و با کمک آن می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای آزمودنی و در نهایت پدیده‌های مورد بررسی در جهان اجتماعی پرداخت. جامعه آماری مرحله اول این پژوهش شامل مدیران و کارشناسان نهادهای مرتبط با خط‌مشی‌گذاری

۱. Creswell.

عمومی ملی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون‌های هیئت دولت، مرکز استراتژیک ریاست جمهوری، اتاق بازرگانی، سازمان برنامه و بودجه، کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی) و همچنین اساتید حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، مدیریت دولتی و علوم سیاسی دانشگاه‌های شهر تهران بود. در این مرحله از پژوهش از راهبرد نمونه‌گیری زنجیره‌ای یا گلوله برفی برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان استفاده شد و با ۲۴ نفر مصاحبه انجام شد. افراد انتخاب شده برای انجام مصاحبه در کل دارای تجارب نظری و عملی متوسط به بالا در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی بودند و تلاش شد در انتخاب مصاحبه‌شوندگان، برای اخذ دیدگاه‌های متنوع در زمینه مسئله پژوهش توازنی مطلوب بین افراد دانشگاهی و حرفه‌ای این حوزه برقرار گردد. مصاحبه‌ها تا آن زمان ادامه یافت که پژوهشگر احساس کرد، داده‌ها تکراری شده و به حد اشباع رسیده است.

تحلیل و کدگذاری داده‌ها

رویکردهای مختلفی برای تحلیل داده‌ها وجود دارد. مایلر و کراب تری (۱۹۹۲) چهار رویکرد اصلی را پیشنهاد کردند که فنون تحلیلی می‌توانند درون آن‌ها طبقه‌بندی شوند: رویکرد شبه آماری، رویکرد کدنامه‌ای، رویکرد ویرایش کردن و رویکرد غور کردن. رویکرد این پژوهش در تحلیل داده‌های پژوهش، رویکرد ویرایشی است.

ویرایش کردن

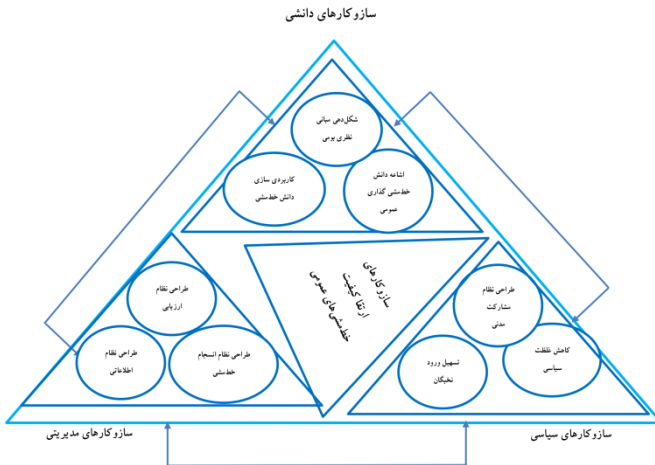
رویکرد ویرایشی، ریشه در سنت فلسفی پدیده‌شناسی دارد که در پی درک تجارب جهان زندگی فردی است. در پدیدارشناسی جوهر اصلی یک پدیده را از میان تجارب متفاوت افراد با آن پدیده بیرون می‌کشند و بر کشف گوهر خود

پدیده تمرکز دارد؛ در این سبک مفسر مانند ویرایش گری که در پی بخش‌های معنی‌دار کم و زیاد کردن کلمات یا جملات، حذف کلمات غیرضروری در متن است؛ وارد متن می‌شود. بهترین نمونه رویکرد ویرایش «تئوری مبتنی بر داده» گلاسر و استراوس (۱۹۶۷) است که رهنمودهایی برای تدوین تئوری مبتنی بر داده‌های کیفی ارائه می‌دهد. در تئوری مفهوم‌سازی بنیادی این فرآیند «مقایسه مستمر» نامیده می‌شود و هدفش دستیابی به نقطه‌ای از «کفایت تئوریک» است که در آن‌جا تحلیل اضافی هیچ‌گونه نقشی در کشف دانش جدید در مورد یک مقوله یا طبقه ایفا نمی‌کند. در واقع می‌توان گفت که مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه پیدا می‌کنند که از لحاظ نظریه‌ای به حالت اشباع برسد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۱). برای استخراج مفاهیم از میان حجم انبوه اطلاعاتی که در طول مصاحبه به دست می‌آید. عمل کدگذاری انجام می‌گیرد، در این پژوهش از «کدگذاری اولیه و ثانویه» برای شکل‌گیری مفاهیم استفاده شده و در پی آن احصا تم‌ها و شکل‌گیری چارچوب «سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی» صورت گرفته است.

نتایج مرحله کیفی

در این پژوهش پس از اینکه داده‌های اولیه از طریق مصاحبه به دست آمد؛ از آن جهت که این داده‌ها به صورت خام بودند، به ویرایش آن‌ها پرداخته شد. بر این اساس، بخش‌های معنادار شناسایی و کلمات غیرضروری حذف شدند و سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران از نظر مصاحبه شوندگان استخراج و سپس با سازوکارهای احصا شده از پیشینه پژوهش در قالب کدهای اولیه ترکیب شد. سپس سازوکارهای استخراج شده از پیشینه پژوهش و مصاحبه‌ها دوباره مورد بررسی قرار گرفت و به صورت کدهای ثانویه در ۹ طبقه‌ی زیر قرار داده شد:

- ۱) سازوکار اشاعه دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی در کشور
- ۲) سازوکار کاربردی سازی دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی در نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی کشور
- ۳) سازوکار شکل‌دهی مبانی فلسفی و نظری بومی خط‌مشی‌گذاران عمومی در ایران
- ۴) سازوکار طراحی نظام اطلاعاتی خط‌مشی‌گذاران عمومی در کشور در وجوه مختلف
- ۵) سازوکار طراحی نظام انسجام عمودی و افقی خط‌مشی‌های عمومی
- ۶) سازوکار کاهش غلظت سیاسی خط‌مشی‌های عمومی
- ۷) سازوکار تسهیل ورود نخبگان شایسته به مجلس و دولت و قوه قضاییه، شوراهای شهر و روستا و نهادهای خط‌مشی‌گذاری عمومی
- ۸) سازوکار طراحی نظام مشارکت مدنی در خط‌مشی‌گذاری عمومی
- ۹) سازوکار طراحی نظام مدیریت (ارزیابی) عملکرد خط‌مشی‌های عمومی
با توجه به تحلیل ادبیات و پیشینه پژوهش و تکیه بر مصاحبه‌های انجام گرفته سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی را در سه دسته مدیریتی، دانشی و سیاسی طبقه‌بندی خواهیم کرد. در واقع با استناد به مبانی نظری پژوهش و مصاحبه‌های اکتشافی مدل مفهومی پژوهشگر در ارتباط با سازوکارهای ارتقا کیفیت به صورت شکل ۲ خواهد بود.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

مرحله ۲: پژوهش کمی

در این مرحله از پژوهش سازوکارهای احصا شده با راهنمایی خبرگان امر، به صورت پرسشنامه درآمد. در حقیقت، در این پژوهش برای تأیید یا رد سازوکارهای احصا شده و نیز مشخص نمودن اهمیت هر یک از سازوکارها از ابزار پرسشنامه برای گردآوری نظرات خبرگان استفاده شد و خبرگان پاسخ دهنده نظرات خود را در مورد سازوکارهای به دست آمده در یک طیف لیکرتی پنج تایی (خیلی زیاد، زیاد، نظری ندارم، کم و خیلی کم) اعلام کردند. از آنجا که پژوهش حاضر در پی واکاوی سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران است و می‌خواهد برای خط‌مشی‌گذاران رهنمودهای موثقی را ارائه دهد یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. از روی دیگر با توجه به دانش‌افزایی ناشی از آرایه این سازوکارها و همچنین مختصات کیفیت، این پژوهش جهت‌گیری توسعه‌ای نیز دارد.

جامعه آماری مرحله دوم این پژوهش نیز مدیران و کارشناسان نهادهای مرتبط با خط‌مشی‌گذاری عمومی ملی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون‌های هیئت دولت، مرکز استراتژیک ریاست جمهوری، اتاق بازرگانی، سازمان برنامه و بودجه، کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی) و هم‌چنین اساتید حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، مدیریت دولتی و علوم سیاسی دانشگاه‌های شهر تهران بود. روش نمونه‌گیری مرحله دوم برای تکمیل پرسشنامه محقق ساخته پژوهش ۸۲ نفر بودند که به‌صورت هدفمند و در دسترس انتخاب شدند.

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش

در این پژوهش، جهت سنجش میزان اعتبار ابزار گردآوری داده از روایی صوری یا ظاهری استفاده شد که یکی از مشتقات روایی محتواست. بدین منظور، پرسشنامه پس از تدوین اولیه در اختیار اساتید راهنما و مشاور و نیز چند تن از خبرگان قرار گرفت و پس از اعمال نظرات و تأیید نهایی آن‌ها، روایی پرسشنامه پژوهش تعیین شد. برای آزمون پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۳ برای هر ۹ سازوکار «۰/۸۴۶» به‌دست آمد. از آن جهت که مقدار آلفای کرونباخ این پژوهش بالاتر از «۰/۷۰» بود، پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۲: پایایی پرسشنامه

تعداد عناصر (N of Items)	آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha)
۹	۰/۸۴۶

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

درصد	تعداد	شرح ویژگی‌ها	
%۲۲	۶۴	مرد	جنسیت
		زن	
%۳۲	۲۶	کم‌تر از ۵ سال	تجربه کاری
		۵-۱۰ سال	
		۱۰-۲۰ سال	
		۲۰ سال و بالاتر	
%۳۰	۲۵	کارشناسی ارشد	تحصیلات
		دکتری	
%۷۸	۱۸		
%۳۸	۳۱		
%۲۱	۱۷		
%۱۰	۸		
%۷۰	۵۷		

۲) آمار استنباطی: در این پژوهش، با توجه به روش پژوهش در مرحله کمی و نیز سازگاری فرضیه‌ها از تحلیل‌های آزمون میانگین یک جامعه و آزمون فریدمن نیز برای تأیید و بررسی میزان اهمیت سازوکارهای احصا شده استفاده شده است.

آزمون میانگین یک جامعه

این آزمون برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر یک متغیر کمی در وضعیت مورد بررسی به کار می‌رود (مؤمنی؛ فعال‌قیومی، ۱۳۹۰). بر این اساس، از این

آزمون بررسی تائید یا عدم تائید سازوکارهای ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران استفاده می‌شود.

دو فرض آماری در این قسمت موردنظر است:

H_0 : سازوکار مذکور در ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران مؤثر نیست.

H_1 : سازوکار مذکور در ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران مؤثر است.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

جدول ۳. نتایج آزمون میانگین یک جامعه برای سازوکارهای نه‌گانه ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران

مقدار آزمون = ۳								ردیف
فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران	
حد بالا	حد پایین							
۱/۴۳۸۶	۱/۲۴۸۴	۱/۳۴۳۵۰	۴/۳۴۳۵	۰/۰۰۰	۸۱	۲۸/۰۹۸	طراحی نظام اطلاعاتی خط‌مشی‌گذاران عمومی در کشور در وجه مختلف	۱
۱/۳۴۱۵	۱/۱۳۹۷	۱/۲۴۰۵۸	۴/۲۴۰۶	۰/۰۰۰	۸۱	۲۴/۴۶۴	طراحی نظام انسجام عمودی و افقی خط‌مشی‌های عمومی	۲
۱/۳۴۱۴	۱/۱۳۵۵	۱/۲۳۸۴۸	۴/۲۳۸۵	۰/۰۰۰	۸۱	۲۳/۹۳۷	کاربردی سازی دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی در نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی کشور	۳
۱/۲۲۸۰	۱/۰۰۷۷	۱/۱۱۷۸۹	۴/۱۱۷۹	۰/۰۰۰	۸۱	۲۰/۱۹۱	تسهیل ورود نخبگان شایسته به مجلس، دولت، قوه قضاییه، شوراهای اسلامی شهر و روستا و نهادهای خط‌مشی‌گذاری عمومی	۴
۱/۲۳۴۸	/۹۶۶۴	۱/۱۰۰۶۱	۴/۱۰۰۶	۰/۰۰۰	۸۱	۱۶/۳۱۳	کاهش غلظت سیاسی خط‌مشی‌های عمومی	۵
۱/۲۳۴۸	/۹۹۵۹	۱/۱۱۴۳۳	۴/۱۱۴۳	۰/۰۰۰	۸۱	۱۸/۷۱۹	طراحی نظام مشارکت مدنی در خط‌مشی‌گذاری عمومی	۶

Archive of SID

مقدار آزمون = ۳								شماره
فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران	
حد بالا	حد پایین							
۱/۲۲۸۷	۱/۰۳۱۵	۱/۱۳۰۰۸	۴/۱۳۰۱	۰/۰۰۰	۸۱	۲۲/۷۹۸	اشاعه دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی در کشور	۷
۱/۰۶۸۰	/۸۶۵۸	/۹۶۶۹۰	۳/۹۶۶۹	۰/۰۰۰	۸۱	۱۹/۰۲۵	طراحی نظام مدیریت (ارزیابی) عملکرد خط‌مشی‌های عمومی	۸
۱/۰۴۰۶	/۷۲۰۳	/۸۸۰۴۹	۳/۸۸۰۵	۰/۰۰۰	۸۱	۱۰/۹۳۹	شکل‌دهی مبانی فلسفی و نظری بومی خط‌مشی‌گذاران عمومی در ایران	۹



Archive of SID

همان‌طور که در جداول بالا نشان داده شده است؛ سطح معناداری همه سازوکارهای به‌دست آمده در ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی کم‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین میانگین آن‌ها با مقدار آزمون اختلاف معناداری دارد. از طرف دیگر، از آنجا که حدود پایین و بالای همه این سازوکارها مثبت است، میانگین همه آن‌ها بالاتر از مقدار آزمون می‌باشد و فرضیه H1 تأیید می‌شود. لذا می‌توان گفت، با اطمینان بالای ۹۵٪، همه سازوکارها در ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی ایران مؤثر است.

آزمون فریدمن (Friedman Test)

از این آزمون برای مشخص کردن میزان اهمیت سازوکارها در ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی ایران استفاده می‌نماییم تا به سؤال دوم (بررسی میزان اهمیت سازوکارهای احصا شده) این پژوهش پاسخ دهیم.

دو فرض آماری در این قسمت مورد نظر است:

H0: رتبه اهمیت هر یک از سازوکارها برای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران یکسان است.

H1: دست‌کم رتبه اهمیت دو مورد از سازوکارها برای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران، متفاوت است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون فریدمن برای سازوکارهای نه‌گانه ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی

اولویت در اهمیت	رتبه میانگین	سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌های عمومی در ایران
۱	۶/۴۹	طراحی نظام اطلاعاتی خط‌مشی‌گذاران عمومی در کشور در وجوه مختلف
۲	۵/۸۲	طراحی نظام انسجام عمودی و افقی خط‌مشی‌های عمومی
۳	۵/۶۶	کاربردی سازی دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی در نظام

اولویت در اهمیت	رتبه میانگین	سازوکارهای ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران
		خطمشی‌گذاری عمومی کشور
۴	۴/۹۰	تسهیل ورود نخبگان شایسته به مجلس، دولت، قوه قضاییه، شوراهای اسلامی شهر و روستا و نهادهای خطمشی‌گذاری عمومی
۵	۴/۸۸	کاهش غلظت سیاسی خطمشی‌های عمومی
۶	۴/۸۴	طراحی نظام مشارکت مدنی در خطمشی‌گذاری عمومی
۷	۴/۵۹	اشاعه دانش خطمشی‌گذاری عمومی در کشور
۸	۳/۹۸	طراحی نظام مدیریت (ارزیابی) عملکرد خطمشی‌های عمومی
۹	۳/۸۳	شکل‌دهی مبانی فلسفی و نظری بومی خطمشی‌گذاران عمومی در ایران

همان‌طور که در جداول بالا نشان داده شده است؛ سطح معناداری آزمون فریدمن برای سازوکارهای اصلی نه‌گانه ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی کم‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه H1 در مورد آن‌ها تأیید می‌شود. پس می‌توان گفت: اهمیت سازوکارهای اصلی نه‌گانه و اجزای آنها برای ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی در ایران متفاوت است.

اولویت‌های سازوکارهای نه‌گانه ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی به‌ترتیب اهمیت عبارتند از: طراحی نظام اطلاعاتی خطمشی‌گذاران عمومی در کشور در وجوه مختلف، طراحی نظام انسجام عمودی و افقی خطمشی‌های عمومی، کاربردی‌سازی دانش خطمشی‌گذاری عمومی در نظام خطمشی‌گذاری عمومی کشور، تسهیل ورود نخبگان شایسته به مجلس، دولت، قوه قضاییه و نهادهای خطمشی‌گذاری، کاهش غلظت سیاسی خطمشی‌های عمومی، طراحی نظام

مشارکت مدنی در خطمشی‌گذاری عمومی، اشاعه دانش خطمشی‌گذاری عمومی در کشور، طراحی نظام مدیریت (ارزیابی) عملکرد خطمشی‌های عمومی و شکل‌دهی مبانی فلسفی و نظری بومی خطمشی‌گذاران عمومی در ایران.

تبیین یافته‌ها و نتایج پژوهش

در این قسمت، ما به تبیین یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش خواهیم پرداخت تا از یک‌طرف، درک بهتری از آن‌ها حاصل گردد و از طرف دیگر، امکان مقایسه یافته‌ها و نتایج آن با پژوهش‌های دیگر برای خوانندگان فراهم شود.

در تائید سازوکارهای عنوان شده توسط لیو بلونگ (۲۰۰۳)، در این پژوهش تمام شیوه‌های ذکر شده توسط پژوهشگر در باب بهبود کیفیت خطمشی‌گذاری عمومی یعنی: استقرار صحیح علم خطمشی‌گذاری، انتشار تعداد کتاب‌ها و مقالات در زمینه خطمشی‌گذاری، تربیت پژوهشگران برجسته، نظریه‌پردازی بومی، در حوزه ساختار افزایش دپارتمان‌ها و دانشکده‌های خطمشی‌گذاری، تأکید رهبری بر علم خطمشی‌گذاری، حمایت‌های مالی و به‌کارگیری متخصصان و حرفه‌ای‌ها، سازگاری مدل‌های خطمشی با فرهنگ سیاسی، علمی‌کردن فرایند خطمشی‌گذاری، بهره‌گیری از مراکز مشاوره، تأکید بر ارزیابی، تسلط خطمشی‌گذاران بر علم خطمشی‌گذاری در ذیل سازوکارهای اشاعه دانش خطمشی‌گذاری عمومی، شکل‌دهی مبانی فلسفی و نظری بومی خطمشی‌گذاران عمومی در ایران، طراحی نظام ارزیابی عملکرد، وهم‌چنین سازوکارهای به‌کارگیری مشاوران خطمشی در سه قوه، به‌کارگیری کارکنان دارای دانش حرفه‌ای و آشنا به علم خطمشی‌گذاری عمومی در سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها، کمیسیون‌های مراجع متولی خطمشی‌گذاری و نهادهای متولی

علمی کردن چرخه خطمشی و طراحی بسته آموزشی برای افزایش سواد خطمشی‌گذاری برای خطمشی‌گذاران کشور مورد پذیرش قرار گرفتند.

ریچارد رز (۱۹۹۱)، دولویتز و مارش (۱۹۹۶) درس‌آموزی، تقلید و انتقال خطمشی را یکی از راه‌های بهبود کیفیت خطمشی می‌دانند. آن‌ها درصدد درک انتقال دانش در نتیجه تصمیمات استراتژیک بازیگران درون و بیرونی دولت بودند. توجه ویژه آن‌ها به متخصصان و کارآفرینان خطمشی و نیز سازمان‌های بین‌المللی و درون دولتی بود که می‌توانستند تبدلات ایده‌ها را تشویق کنند. هم‌چنین در کارهای پژوهشی دیگر آن‌ها اندیشکده‌ها (think tanks). شرکت‌های مبادلاتی و نهادهای غیردولتی و مؤسسات مشاوره‌ای را افزودند، در حالی که استدلال می‌کردند که دو مورد آخری بسیار مهم هستند؛ زیرا آن‌ها معمولاً پیشنهادهای مطرح می‌کنند که به‌عنوان بهترین اقدامات (best practice) در همه جا کاربرد دارد. همگی این سازوکارها در ذیل سازوکارهای اشاعه دانش خطمشی‌گذاری عمومی، طراحی نظام مشارکت مدنی در پژوهش حاضر مورد پذیرش قرار گرفتند.

کار پژوهشی استیوانلو و گریلی (۲۰۱۲) که درباره بهبود کیفیت خطمشی‌های بخش سلامت از خطمشی‌های شواهد محور به‌مثابه شیوه‌ای برای بهبود یاد کردند. نتایج پژوهش مارکو و نیکل (۲۰۰۸) که در پژوهشی درباره نقش داده‌های آماری در خطمشی‌گذاری شواهد محور بحث کرده‌اند و هم‌چنین کارهای (گرتس، ۲۰۱۰)، ویزمن و همکاران (۲۰۰۶) که هرگونه اطلاعات به روزرسانی شده‌ای به‌طور پیوسته از طریق کانال‌های مختلف را در چرخه خطمشی‌گذاری قابل کاربرد می‌داند و آن‌را راهی برای کمک به بهبود چرخه خطمشی می‌دانند. به‌طور کلی در مؤلفه (کد ثانویه) طراحی نظام اطلاعاتی خطمشی‌گذاران عمومی در پژوهش حاضر به‌عنوان یکی از راه‌های ارتقا کیفیت خطمشی‌های عمومی مورد تأیید واقع شدند.

درور (۱۹۸۳)، بهبودهای عمده موردنیاز در فرایند خطمشی‌گذاری عمومی را تغییرات موردنیاز در دانش، تغییرات موردنیاز در افراد، تغییرات موردنیاز در ساختار و مدل‌های فرایند، تغییرات موردنیاز در ورودی‌ها و نتایج تحقق یافته، تغییرات موردنیاز در محیط نام می‌برد. این سازوکارها به‌طور مستقیم و ضمنی در تمام سازوکارهای نه‌گانه در این پژوهش نمود دارد و مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج بسیاری از پژوهشگران که بر ارتقای کیفیت خطمشی‌گذاری و افزایش ظرفیت آن از طریق کانون‌های تفکر و نقش راهبری این کانون‌های تأکید داشتند در این پژوهش مورد پذیرش قرار گرفت (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰؛ هارت؛ ورمن، ۲۰۰۸؛ پوهان، ۲۰۰۸؛ ریچ، ۲۰۰۴).

نتایج کار الوانی (۱۳۸۱) که اذعان می‌کند اگر مشارکت عامه به‌صورت مؤثر و با توجه به فرایند خطمشی در نظر گرفته شود می‌تواند کیفیت خطمشی‌های عمومی را بهبود بخشد. پژوهش کلیت^۱ (۲۰۱۱) که بهبود خطمشی‌گذاری عمومی را ترکیب نمایندگی‌های به‌لحاظ کارکردی تخصصی دولت، کسب‌وکارها و جامعه مدنی و سازمان‌های کار در یک شبکه خطمشی کارا و جامع می‌داند و هم‌چنین نتایج پژوهش ریگ و لیندسی (۲۰۰۶) که با بررسی مدیریت دانش در بخش عمومی و مشارکت ذی‌نفعان در فرایند خطمشی به این نتیجه دست یافتند که هنگامی خطمشی‌ها به‌طور اثربخش‌تری ایجاد می‌شوند که ذی‌نفعان توانایی مشارکت اثربخش داشته باشند و قابلیت ذی‌نفعان شامل مهارت و منابع بسیار مهم است؛ زیرا مسائل عمومی ماهیتی چند وجهی دارند و پیچیده هستند و یکی از منابع اثربخش این است که از مدیریت دانش بهره‌جویند و زمینه انتقال و تسهیم دانش فراهم گردد. جز سازوکاری که در این

۱. Cloete.

پژوهش از لحاظ نظری مورد تأیید قرار گرفت‌اند. پژوهش احمدی (۱۳۹۰) در زمینه عدم انسجام خط‌مشی‌های عمومی در ایران و کلارک و همکاران (۲۰۱۰) در زمینه ابهام قوانین و خط‌مشی‌ها همگی جز سازوکارهای ارتقای خط‌مشی‌های عمومی محسوب می‌شوند که ذیل مؤلفه انسجام عمودی و افقی در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است.

میشل کروزیه (۱۳۹۲) در یک بررسی انتقادی در نقد سیستم تصمیم‌گیری و اداری فرانسه، می‌گوید تصمیم‌ها در نهایت با سهل‌انگاری بسیار، بر مبنای استدلال‌های زبان‌آورانه، به مدد پیشامدهای نشست تصمیم‌گیری و در طی جدل‌های بی‌پایان میان برداشته و منافع مختلفی که به چرخه تصمیم‌گیران دست یافته‌اند، اتخاذ می‌شوند. او با مثال زدن کار کمیسیون‌های تحقیق سلطنتی در انگلستان و نقش آن‌ها در تغییرات بزرگ در این کشور یادآوری می‌کند که نظام تصمیم‌گیری فرانسه باید با ایجاد و تقویت کمیسیون‌هایی متشکل از فرزندانگان صاحب رأی در نهادهای تصمیم‌گیری جدا از ساختار اداری و روال‌های بوروکراتیک به بررسی مشکلات مختلف جامعه بپردازد. این کمیسیون‌ها با ایجاد سلول‌های آماده‌سازی تصمیم، قادر به آگاه کردن مسئولان می‌باشد و در پایان با تأکید بر کار این کمیسیون‌ها و سلول‌های آماده‌سازی تصمیم، اذعان می‌کند که فرانسه باید راه‌حل خود را برای ارائه مدلی جدید از آماده‌سازی و ارزیابی تصمیمات جدید بیابید؛ آن سازوکار نیز در ذیل سازوکار کاربردی سازی دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی در پژوهش حاضر مورد تأیید واقع شد.

پیشنهاد‌های پژوهش

در این بخش، ما به ذکر پیشنهاد‌های این پژوهش از دو منظر کاربردی و دلالت‌های آن برای شکل دادن پژوهش‌های بعدی می‌پردازیم.

رهنمودهایی برای عمل

۱. ایجاد رشته خطمشی‌گذاری عمومی در حوزه‌های مختلف از سطوح کارشناسی تا کارشناسی ارشد و دکترا در مراکز آموزش عالی کشور
۲. الزام نمایندگان مجلس به داشتن مشاور در حوزه‌های مختلف به صورت رسمی، قانونی و آموزش آن‌ها در زمینه خطمشی‌گذاری عمومی
۳. ایجاد تقویت مرکزی برای انسجام و یک‌دست کردن قوانین و خطمشی‌های عمومی و به‌طور کلی هرم خطمشی‌گذاری عمومی در کشور
۴. قانونی کردن دخالت نهادهای مدنی و مردم‌نهاد در تمام چرخه خطمشی‌گذاری برای ارائه دیدگاه‌های خود و ایفا کردن نقش خود
۵. تصحیح سامانه قانون انتخابات اعم از شورای شهر، مجلس و ریاست جمهوری و گنجانیدن پیش شرط‌های صحیح برای کاندیدا شدن افراد
۶. استفاده از فناوری اطلاعات در چرخه خطمشی‌گذاری و ایجاد سیستمی برخط برای رصد فعالیت حوزه‌های خطمشی‌گذاری عمومی
۷. حذف نهادهای موازی خطمشی‌گذاری عمومی در کشور
۸. تقویت مراکز اطلاعاتی و آماری و هم‌چنین راه‌اندازی بانک‌های اطلاعاتی و آماری منسجم در هر حوزه خطمشی‌گذاری

پیشنهادها برای پژوهش‌های آینده

از آنجا که خطمشی‌گذاری عمومی علمی چند بعدی و چندلایه است؛ این‌که خطمشی‌گذاری در حوزه فراملی، ملی، سازمانی و بخشی باشد انواع روش‌ها را به‌خود اختصاص می‌دهد؛ این‌که سیاست‌گذاری معطوف به امنیت، اقتصاد، فرهنگ، سیاست داخلی و یا سیاست خارجی باشد، رویکردها، کیفیت، معیار کیفیت و معیار بهبود کیفیت را به‌خود اختصاص می‌دهد؛ پیشنهادهای نظری



زیر مطرح می‌شود:

- با توجه به تفاوت نسبی در محیط، روش‌ها و ملزومات هر حوزه سیاستی، پژوهش‌های آینده می‌توانند به واکاوی سازوکارهای ارتقا کیفیت خط‌مشی‌ها در یک حوزه خاص و مجزا مثل (سلامت، محیط زیست، سیاست خارجی، امنیت، تکنولوژی، آموزش عالی، آموزش و پرورش، فرهنگ و اقتصاد و...) بپردازد.
- پژوهش‌های آینده می‌تواند به واکاوی مشخصه‌های کیفیت خط‌مشی‌های عمومی هر حوزه جداگانه (سلامت، محیط زیست، سیاست خارجی، امنیت، تکنولوژی، آموزش عالی، آموزش و پرورش، فرهنگ، اقتصاد و...) بپردازد.
- پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی و بسط تأثیر هر یک از این سازوکارهای اثرگذار در ارتقا کیفیت خط‌مشی‌ها بپردازد.
- پژوهش‌های آینده می‌تواند با توجه به نوع حاکمیت سیاسی ایران به بررسی ظرفیت فقه کشورداری در ارتقا خط‌مشی‌های عمومی بپردازد.
- پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی هر یک از این سازوکارها در یک حوزه خط‌مشی که با آن حوزه سازگارتر و مهم‌تر است بپردازد (مثل محیط زیست که سازوکار رسانه‌ها بهتر جواب می‌دهد).
- پژوهش‌های آینده می‌تواند لزوم و عدم لزوم نقش کمی و کیفی دولت را در دخالت در چرخه یک حوزه خاص (به‌طور مثال خط‌مشی‌گذاری‌های آموزش عالی) مورد بررسی قرار دهد و بعد با توجه به این التزام برای آن حوزه به واکاوی سازوکارهای ارتقا کیفیت سیاست‌ها در یک چرخه خط‌مشی یا تمام چرخه‌های آن بپردازد.
- پژوهش‌های آینده می‌تواند به آسیب‌شناسی دخالت دولت در چرخه یک حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی بپردازد و بعد به واکاوی پیامدهای مثبت و منفی این دخالت و در نهایت به واکاوی سازوکارهای ارتقا کیفیت

خطمشی‌ها در آن حوزه بپردازد.

- پژوهش‌های آینده می‌تواند به‌طور مثال ظرفیت و نقش نهادهای مدنی مدرن (مانند احزاب) و سنتی (نهاد مسجد، بازار سنتی، نهاد روحانیت) ایران را در خطمشی‌گذاری مورد واکاوی قرار دهد و سازوکارهایی که از این نهادهای درباره ارتقا کیفیت سیاست‌ها نقش دارند را مورد واکاوی قرار دهد.
- پژوهش‌های آینده می‌تواند به تأثیر نوع نظام سیاسی یا اثر تغییر ماهیت نظام سیاسی در یک کشور (دموکراتیک یا پادشاهی) بر بهبود خطمشی‌ها بپردازد.
- پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی نقش خطمشی‌گذاری فدرالی و محلی یا به‌عبارت دیگر واگذاری حق قانون‌گذاری و خطمشی‌گذاری کلی یا خاص به استان‌ها یا مناطق کشور در بهبود سیاست‌ها بپردازد.

منابع

الف) فارسی

ابراهیمی، سید عباس و دیگران (۱۳۹۳)، «طراحی مدل خطمشی‌گذاری مبتنی بر شواهد در نظام سلامت ایران (پژوهشی کیفی)»، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال هفتم، شماره ۲۴، صفحات ۵-۲۴.

احمدی، هانیه (۱۳۹۰)، فهم دلایل عدم انسجام (ناهمسویی) خطمشی‌های عمومی در ایران: روش دلفی، (کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
استراوس، آنسلم؛ جولیت، کوربین (۱۳۸۵)، اصول روش پژوهش کیفی، نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بزرگی، میترا (۱۳۸۹)، تجزیه و تحلیل خطمشی عمومی در سازمان، قابل دسترس در سایت علمی پژوهشی <http://www.shahrashub.com/db/t3policy.htm>

دانایی فرد، حسن؛ حسینی، سید یعقوب؛ فانی، علی اصغر (۱۳۹۲)، ظرفیت خطمشی‌گذاری عمومی: کلید توسعه یافتگی ملی، تهران: صفار.

دانایی فرد، حسن (۱۳۹۱)، «ردای خدمت یا خلعت قدرت؟ چالش‌های فراروی فرآیند سیاست‌گذاری ملی»، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه، شماره هشتم (۶۰-۶۱).

دانایی فرد، حسن (۱۳۸۶)، «هم‌سازی شیوه‌های کمی و کیفی در پژوهش‌های سازمانی: تأملی بر استراتژی پژوهش ترکیبی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه (روش‌شناسی علوم انسانی)، ۱۳(۵۳)، ۶۳-۳۵.

دانایی فرد، حسن (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر موانع تولید دانش در علوم انسانی: رهنمودهایی بر ارتقای ظرفیت سیاست ملی علم ایران»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره ۱، ۱۶-۱.

دانایی فرد، حسن؛ کرد نائیج، اسدالله؛ لاجوردی، سمانه (۱۳۹۰)، «ارتقای ظرفیت خطمشی گذاری کشور: گونه شناسی نقش کانون های تفکر»، مدیریت دولتی، دوره سوم شماره ۶، ۵۵ - ۷۸.

دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۱)، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار-اشراقی.

دانایی فرد، حسن؛ ثقفی، عمادالدین؛ مشبکی، اصغر (۱۳۸۹)، «اجرای خطمشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خطمشی»، پژوهش های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۴، ۱۵-۷۹.

رز، ریچارد (۱۳۹۰)، یادگیری در پرتو سیاست های عمومی تطبیقی: رهنمودی کاربردی، ترجمه حسن دانایی فرد و منصور خیرگو، تهران: انتشارات امام صادق (ع).

قریب، حسین (۱۳۹۰)، بررسی کارکردهای انواع عقل در سیاست گذاری عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کرسول، جان (۱۳۹۱)، طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی)، ترجمه حسن دانایی فرد و علی صالحی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

کرسول، جان (۱۳۹۱)، پویای کیفی و طرح پژوهش؛ انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم نگاری و مطالعه موردی)، ترجمه حسن دانایی فرد و سید حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار-اشراقی.

کرسول، جان (۱۳۹۲)، طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی، ترجمه حسن دانایی فرد و علی صالحی تهران: انتشارات: صفار.

محمدی فاتح، اصغر؛ شرفی نژاد، نورالدین؛ دهیان، اسماعیل (۱۳۹۳)، *روندهای جدید در مدیریت دانش سازمانی*، تهران: نیاز دانش.

مقدس پور، سعیده؛ دانایی فرد، حسن؛ کرد نائینج، اسد ا... (۱۳۹۱)، «واکاوی عوامل کلیدی در عدم موفقیت برخی خطمشی‌های عمومی در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه خطمشی‌های مالیاتی کشور»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مدیریت فرهنگ سازمانی*، دوره یازدهم، شماره اول، ۳۳-۶۸.

مودب، محمد صادق (۱۳۸۴)، «تحلیلی از نارسایی‌های خطمشی‌گذاری عمومی»، *مطالعات مدیریت*، شماره ۴۷، ۱۶۲-۱۷۸.

میرزمانی، اعظم و دیگران (۱۳۹۲)، «واکاوی دلایل بنیادین خطمشی‌گذاری عمومی در جامعه اسلامی ایران»، *پژوهش‌های مدیریت اسلامی*، سال ۲۱، شماره ۲، ۳۷-۵۶.

الوانی، سید مهدی (۱۳۸۱)، «راهکارهای مشارکت عامه در خطمشی‌گذاری عمومی»، *مجله مجتمع آموزشی عالی قم*، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۱۷-۵.

الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۲)، *خطمشی‌گذاری عمومی*، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.

ب) انگلیسی

Anderson, J. E (2011), *Public policy making: An introduction* . Boston, MA: Cengage.

Bolong, L (2003), "Improving the quality of public policy-making in china: Problems and prospects", *Public Administration Quarterly*, 27(1/2), 125-141.

Bullock, H& Mountford, J, & Stanley, R (2001), *Better policy-making*, London: Cabinet Office.

Cloete, F.& De, C. C (2011), *Improving public policy : Theory, practice and results*, Pretoria: Van Schaik Publishers.

Creswell, john. W (2005), *Educational research: Planning, conducting and evaluating, quantitative qualitative research*, Upper saddle river, N: pearson.

- Deleon, P& Steelman, T. A (2001), “*Making public policy programs effective and relevant: The role of the policy sciences*”, *Journal of Policy Analysis and Management*, 20(1), 163-171.
- Denhardt, J. V& Denhardt, R. B (2007), *The new public service: Serving, not steering*, ME Sharpe.
- Dror, Y (1983), *Public policy making reexamined*, Transaction Publishers.
- Fischer, Frank& Gerald J. Miller, eds (2006), *Handbook of public policy analysis: theory, politics, and methods*, crc Press.
- Geurts, T (2010), *Public Policy making: The 21st century perspective*, Beinformed., Wagenrustlaan, DL, Apeldo, Netherland.
- Glaser, G. Barney (2002), “*Conceptualization: On theory and theorizing using grounded Theory*”, *International Journal Of Qualitative Methods*.1(2), 23-38.
- Gore, A (2000). *Good public policy making: How Australia fares*. *Agenda*,8(1),33-46.
- Hallsworth, M (2011), “*Policy- Making in the Real World*”, *Political Insight*, 2(1),10-12.
- Hallsworth, M& Rutter, J (2011), *Making policy better*. Institute for Government, available at: www.Institute for government.org.uk/publications/28,2.
- Hart, P& Vromen, H (2008), “*A new era for think tanks in public policy? International trends, Australian Realities*”, *The Australian Journal of Public Administration*, 67 (2), 135-148.
- Kettunen, P (2008), “*The innovative comparison of public policies*”, *Journal of Public Administration Review*. Washington, 68 (2).
- Peters, B. G& Pierre, J (Eds) (2006), *Handbook of public policy*, Sage.
- Puhan, Tatjana-Xenia (2008), *Balancing exploration and exploitation by creating organizational think tanks, with a foreword by prof, Dr Jetta Frost*, 1 st Edition, Gabler Verlag is part of the specialist publishing group Springer Science, Business Media, www.gabler.de.
- Robbinz Stephen P& Mary coutler (2012), *Management practice*, Hall.
- Soroka, S& Wlezien, C (2010), *Public opinion and public policy*, *The Oxford Handbook of Canadian Politics*.

UK government (1999), *Modernising government*, white paper presented to parliament by the prime minister and the minister for the cabinet office by Command of Her Majesty, London, March.

Weitzman, B. C, Silver, D& Brazill, C (2006),” *Efforts to improve public policy and programs through data practice: experiences in 15 distressed American cities*”, *Public Administration Review*, 66(3), 386-399.